



۲۰۲۱/۰۹/۰۷



نادرشاه سدوزی

فریاد الله اکبر در کابل

جای بی نهایت خوشبختی است که مردم آزاده افغانستان هر روز سر و صدای خود را بر علیه توطئه خائنانه پاکستانی ها بلند کردند و با گفتن الله اکبر راهی مقاومت افغانی را در مقابل پنجابی ها در پیش گرفته اند. بهر صورت، هدف سیاسی پاکستانی ها در نهایت همین است که افغانستان را روزی خدای ناخواسته، توسط اجبران فروخته شده که سال ها در همان جای بود و باش داشته و تربیه شده اند، تحت سلطه خود قرار بدهند. مگر امروز با حمایت از نیروهای شجاع امنیتی و نیروهای انقلاب مردمی افغان که در مقاومت برخاسته اند؛ به آنها اجازه داده نمی شود که به مقصد و نیت شوم و کثیف شان برسند.



با شنیدن صدای الله اکبر از طریق اینترنت به این عقیده شدم تا در چند سطر، احساسات و همبستگی خود را همراهی تمام هموطنان عزیز ابراز نمایم و هم صدا باشم.

شب بسیار مقبولی بود که مردم و خاصاً جوانان به طوری دسته جمعی با حمایت از نیروهای جسور امنیتی در سرک ها و جاده ها روان بودند و می گفتند الله اکبر، الله اکبر، مرگ بر طالبان، مرگ بر پاکستان و مرگ بر دشمنان مردم

افغانستان. با شنیدن این آواز های پرحرارت و حاوی عشق به وطن بود که انسان نمی تواند ابراز احساسات ننماید. به همین اساس بود خواستم با تمام خواهران و برادران ارجمندم که در شهر کابل، هرات و باقی شهر ها صدا بلند کرده بودند و با گفتن الله اکبر به جاده ها به مقاومت پرداخته بودند خود را شریک آنها دانسته و با آنها همنا و هم صدا باشم. مگر این کفایت نمی کند. در شرایط کنونی اولتر از همه وحدت و بسیج نمودن تمام نیروهای مردمی و وطن پرست علیه جنگ تحمیلی پاکستانی ها برای نجات مملکت یک امر ضروریست. زیرا جنگ کنونی جنگ بین طالب و حکومت افغانستان نیست، بلکه جنگ تحمیلی پاکستان بر علیه ملت افغانستان می باشد. بدین ترتیب با اقدام بسیج نمودن عمومی و مقاومت عمومی مردم در مقابل هراس افگنان طالب و پاکستانی ها باید اقدام شود تا برای آنها اجازه داده نشود که با عزت و آبروی افغان ها بازی کنند.



بهرتقدید، وقت آن رسیده تا امروز از خاک مقدس خود دفاع نموده و به هیچ گفتاری کاملاً دروغ و نا حق اجیران فروخته شده که گویا نظام افغانستان یک نظام مسلمانی نیست اعتبار کرد. این یک نوع تبلیغات کاذب پنجابی پاکستانی است که واقعیت ندارد. زیرا ما همه میدانیم که نظام جمهوری اسلامی افغانستان توسط رأی مردم بنیانگذاری شده یک نظام واقعی اسلامی بوده که قانون اساسی تضمین کننده آن می باشد. این مطلب قابل تذکر است که مردم افغانستان نه از امروز، بلکه از زمان های خیلی قدیم می باشد که با تمدن اسلام آشنائی دارند و از دین مبین اسلام پیروی می نمایند. اساس فرهنگ ما مردم افغان را همین فرهنگ اسلامی تشکیل می دهد. بدین اساس برای طالب ها اجازه داده نشود که برای ما مردم، درس مسلمانی بدهند. آنها اولتر از همه باید خواندن و نوشتن را یاد بگیرند و بعد نامی از مسلمانی ببرند. زیرا اساس دین اسلام را همین خواندن و نوشتن تشکیل می دهد و نه شعارهای عوام فریبانه. همه میدانند که تعداد کثیر این گروه افراطی و متعصب بی سواد هستند. دوم اینکه این گروه افراطی با شعارهای عوام فریبانه و قشری گری تمام اصول دین مقدس اسلام را زیر پا گذاشته و مسلمان کثی را با خشونت، بد اخلاقی، حيله و نیرنگ و رفتار وحشیانه کشتارها در جهت ایجاد ترس و تسلیم ساختن یک تعداد دامن می زنند تا بتوانند بدین ترتیب مردم مسلمان افغانستان را به طرف جهل و بی سوادی سوق داده از تمام مزایای زندگی که دین مبین اسلام

رهنمای آن می باشد محروم بسازند.
دینی که برای تمامی مردم حق زندگی داده است؛ همه مردم چه شیعه یا سنی باشد حق مسلم و مشروع شان است که به فکر آرام زندگی خود را به پیش ببرند.
مردم حق دارند، چه مرد و یا زن باشد زیر چتر دین مقدس اسلام کار بکنند، زحمت بکشند و درس بخوانند. خداوند متعال انسان را نیافریده که غلام و برده باشد. خداوند متعال انسان را آفرید و برای وی حق حیات داد. ما همه حق داریم درس بخوانیم، زحمت بکشیم و کار بکنیم تا از مزایای زندگی مستفید و بهره مند شویم. این حق مشروع همگی از افراد جامعه می باشد.
بدین ترتیب به هیچ کس حق و اجازه مداخله در امور زندگی خصوصی را نباید داد. ما انسان ها بنده خداوند متعال می باشیم و نه بنده انسان. ایمان با دل سر و کار دارد و نه با جنایت و کشتار مردم مسلمان.

پایان

